

ایستادن

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین

مدیر محمد امین خویانی
M. A. Khogyani

اشترک سالانه ۱۰ افغانی

محصول پوست ۲

خارجہ ۲۰ شلنگ

۲۴ محرم ۱۳۵۱

MAY 29 1932

تأسیس ۱۳۰۶

۲ شنبه ۱۰ جوزا ۱۳۱۱

کار خود خبلی ضرر و خساره کشیده ،
و این گونه سوء اخلاق مثل مرض ساری
در دیگر اشخاص هم سرایت کرده و
موجب بسی اضرار ملی و مملکتی واقع
شده است ،

اگر به مصداق قول خویش به اشخاص
و رجال مملکت امریک و ژاپون جوان
نظری اندازیم ، بخطا نخواهیم رفت که
کار با صداقت ، و فعالیت ، و عزم ثابت
آنها چگونه يك مملکتی پس مانده شانرا
در يك زمان قلبی به نقطه انتهای ترقی
رسانیده ، و سعادت و نیک بختی خوبی
ناایل شان ساخته که امروز بالای
اکثریه قطعات دور و پیش و بر نفوس ترین
و قریب ترین ممالک دنیا (چین) راجولان
گاه خود قرار داده تنها به جدت و جرئت
خود متکی می باشند .

از آنجاست که دین مبین اسلام عزم
ثابت ، فعالیت ، صداقت را بر ذمه
هر مسلمان لازم گردانیده ، و بر هر مسلمانی

عزم را از خصایل حسنه شمرده
و همگذا در تمام ادیان و به نزد ملت
های دنیا اشخاص فعال و صادق و
ثابت العزم ط ف توجه عموم واقع
و بنظر احترام تلقی شده میرود ،
چنانچه در هر ملتی که يك شخص
معروف بصدق و فعالیت و ثبات عزم
گردیده ، مسلم است که آن شخص يك
آن اولتر مقام بلند و موقع ار جندی را
احراز کرده و برای خود يك محبوبیتی
در دلها متمکن ساخته ؟

با لعکس اگر يك شخص در مملکت
و ملت خیانت نموده و تنبلی را شعار
خود ساخته و از روی صداقت ، و عزم
ثابت برای ترقی و پیش بود مملکت و
ملت خود کار نکرده ، و ببحر فهای
صرفه اشخاص را طرف توجه قرار داده در
حقیقت از تنبلی و غفلت به ایفای وظیفه
پروائی و بصداقت اعتنائی ننموده ، معلوم
است که آن ملک و ملت از کردار سوء
این طور اشخاص و تنبلی و غفلت

مملکت بعزم ثابت و فعالیت

ما مورین خود ترقی
مینماید

دنیای همه وقت در اثر عزم ثابت
فعالیت ، صداقت رجال و افراد خود
ترقی نموده است !

تنبلی ، غفلت ، غرور ، حرفهای
مفت و بی نتیجه امروز از ماست های
با عزم معدوم و مردمان کاذب و تنبلی
قدر و قیمت شان از صفحه ممالک دنیا
محو و نابود گردیده ، بی پروائی از خدمت
بوطن و ملت اران و قعات شاذ و فوق العاده
بشمار میرود که گویا ابراز کارهای
فوق لعاده در شرق .

محتاج به توضیح نیست سعادت و خوش
بختی يك مملکت ، و ملت ، فقط
وابسته به ثبات عزم ، فعالیت ، صداقت ،
است و پس !

دین مبین اسلام که مقدس ترین تمام
ادیان است ، صداقت ، فعالیت ، ثبات

حتمی و ضروری است که در فعالیت و عزم
راستخ، و بهدق ثابت القول باشد، خصوص
(مامورین حکومت) که اهمیت و الزمت از
جمله فرایض منصبی و شروط ماموریت شان
ایفای وظیفه محوله، ثبات عزم، صداقت
بمحکومت و مملکت است، چرا؟ در
حقیقت محور اساسی و چرخهای اداری
محکومت و مملکت بدست مامورین است،
اگر مامورین ایفای وظیفه خویش را
جدیانه سر مشق اعمال خود قرار دهند
مملکت که یک پیش آمد روشن، یک
آینده نورانی و یک رونق تر و تازه جامعه
یک مملکت پس مانده را باثر همان ثبات
عزم، صداقت، و فعالیت رجال وظیفه
شناسش مثل ملت امریک و ژاپون
استقبال خواهد نمود.

هرگاه بر خلاف آن رفتار نمایند، این
نیز معلوم است که نه اعتبار ملتش و نه از
مملکتش بیک پایه متین استوار خواهد
ماند، بل بازار اهمیت شان در هر جا
ور شکست و کاسه خواهد گردید.

و این اضافه محتاج به تشریح نیست
بلکه یک امر ظاهر و روشن است، در
صورتی که مامورین بی عزمی و بی سعی
و تقوی ... رابه مملکت پیشه خود
سازند، و در چیزهایی که به نفع حکومت
و مملکت شان تمام شهود، اگر چه
کوچکترین امور باشد بی اعتنائی کرده

در اصلاح اوضاع و احوال و تکمیل ما محتاج محیط
نیکو شدن، البته روز بروز بطرف بد بختی
رجعت کرده، از قافله تمدن امروزه دنیا
که رفتار شان مانند برق در سیران است
اضافه تر عقب افتاده بنابر قانون (بقا
اصح) بلکه در بادیه عدم رهپار وادی
نیستی ملت و مملکت خویش را خواهند
گردانید.

چون مقدرات رفاه و آسایش جامعه در
دست این طبقه است، پس نباید که رجال
و مامورین یک مملکت به ملت و حکومت
خویش فعالیت و جدت را از دست داده
و بعکس غفلت و تنبلی را گوارا سازند که
در نتیجه خود و یک جامعه را در راه عدم
سوق نمایند !!

و این هم ثابت بلکه امر فطری
است، هر چند که یک انسان بی حس
و تدبیل باشد باز هم عقلاً و جدائاً بحکم
احساس نوعی در فقدان و ذات ملت
و مملکت خویش مایل نمی باشد
بلکه بالعکس هر انسان یک مقام بلند و
برتری را در غیله خود میپروراند که
اگر به آن مقام ملت و مملکتش نایل
و خودش بر آنها یک امتیاز داشته باشد !
در صورتیکه این فکر عالی فطرتاً
در مغز و دماغ هر کس سرشته شده پس
باید که حسب مقتضیات فطری و جبلی
از فعالیت و ثبات عزم کار گرفته برای

خدمت مملکت و ملت، و حکومت
خود را محکم و استوار بسته در پیش
امورات اداری و اوضاع مملکتی
مترقیه امروزی غور و دقت نماید و
بزند که آیا اینها از کدام طریق
منزل سعادت رسیده و خود را به
عالم مد نیت دوش بدوش نموده اند.
البته در حد سیات خود اس اساس ترقی
را بغیر از وجود جدت و فعالیت ؟ در
ثابت، و وظیفه شناسی بد کرجیزی
و تصور کرده نخواهند توانست

زیرا رجال و مامورین حماس مملکت
بدون یک وقفه بطور و جدت، از
حقیقت، قدر ملت، و حکومت را در
و فرصت وقت را مغتنم شمرده، و با
و آمل عموم خود را متفق و همراه
برای مزید عظمت حکومت و بهبود
چاره های خوبی می بینند، و از
قلب برای تکامل و ترقی مملکت
خدمت مینمایند، و یک زندگانی با
را در آب و خاک وطن تهیه میدارند
گونه زحمات طاقت فرسا و فوق الطاق
در جلو شان آید در ازاله و رفع آن
بکار برده بهمان عزم ثابت خویش
می کنند تا در نتیجه زحمات به بالا
آرزوی خود که سعادت کامله و مان
ملاحظه باشد برسند.

اما امروز در مملکت ما با این

اعلان پادشاهی

رعایای عزیزم اهالی قطن و بدخشان
از آنجا که یگانگی منظور حضور ما
مرفه الحالی و آرامی تمام رعایای عزیزم می
باشد همیشه کوشش وسیعی داریم که مات
عمرزم را هم آغوش سعادت و راحت
داشته بهر وسیله موجبات آسایششان را
موجود و فراهم نماییم تا اهالی مزید
برین در زیر سایه امنیت عمومی آسوده و
آرام بوده مدارج اعتلا و ارتقای
درخشانی را نصیب شوند.

لهذا جهت واریسی از امورات و فراهم
آوری تسهیلات لازمه برای اهالی و تقویت
گذاره و احوال مامورین ملکی و عسکری
و تهیه وسایل مزید و غوررسی اهالی آنولا
یک عده از مامورین صادق و پاک نفس را

و بهبودی امور را متکفل گردیده به عالم
و عالمیان ثابت کنند که افغانستان هم
در اثر انقلاب خانمانسوز نه تنها تلافی
مافات بلکه عبرت از گذشته گرفته
ملت خود را بچنان سرعت رفتار بر
اوج سعادت رسانید که شایان حسن
افغانیت و اسلامیت بوده و بحسن ایفاء
وظیفه وجدت فوق العاده مامورین وطن
برور ترقیات محیر العقولی را اکتساب
نموده و در ازمنه غیر متوقعه دو
ردیف ملل مرقیه عالم خود را دوش
بدوش و نمود ساختند یقین کنید که مساعبات
همه وقت مثمر است

(یار محمد)

غفلت انحراف از جاده حقیقت
بوده که مجاهدات مابعد آنرا محو نمود
فقط آر زوی ما از ما مو رین محترم
امروزی این است اگر چه بحمد الله تعالی
جز صفات عالیله صداقت و فعالیت چیزی
را ما از مامورین موجوده احساس نکرده
ایم و ولی این را هم نباید انکار کنیم
احتیاج که این خالک دارد و ضروریاتی که
مقتضای این عصر علم و دوره ایجاد
و اختراع زمانه ترقی بشر و پیش آهنگی
ملل است و محتاج تبلیغات شدید نباشد
و علاوه ممکن نیست که یک مملکت ترقی
نماید تا دست مامورین در سایر شعب حیاتی
شریک تعاون دیگران و مجد جامعه نباشد مامورین
نه تنها قیام امن و تحصیل حقوق حکومت
و افراد ملت را باید نمایند، بلکه درازا له
مر عاتقه و اقامه هر موسسه و قدردانی هر
شخص کاری و لایق عطف توجه فرمایند
پس رجاء است که آقایون مامورین
محترم ما بیش از پیش در حفظ انوار میس و شرف
ملیت و در امور ترقیات مملکت و توسیع
معیشت در آب و هوای وطن خویش
مساعی جمیله بکار برده و افکار
مقدس تاجدار غازی اعلیحضرت هابوئی
را پیروی و تأیید و زحمات خادمین
صادق و فعال مملکت را بنظر قدر دیده
تمجید مزید نمایند و اضافه بر اضافه جدیت
ایشان و تبلیغ عطا و رفاه و راهنمایی

اعلیحضرت غازی و برادران عالبقدر
شان و عده معتابه از رجال بزرگ
این محیط را می بینیم که با یک جدت
فوق العاده مصروف خدمت مملکت
و مرفه الحالی ملت اند و این ملت قدر
شناس هم خدمات برجسته شانرا بنظر
تقدیر تمجید مینمایند و باقی از احساسات
اشخاص فکور و مامورین شایسته آنها که
میتوانند از فکر و عمل ایشان کاری برآید
توقع می نمایم.

یعنی بقدر یک ملک و ملت ما بد بختی
هولناکی را طی کرده و امروز فوق العاده
محتاج سرعت عملیات فوق لوظیفه و افکار نافع
عامه مامورین خود است به آندره جنبش
فعالیت عالیله مامورین و غالب اعیان ملت را مقتضی
است امروز اگر دیده عبرت و حسن غیرت را
منصف قرار دهیم و آن واقعات هولناک
گذشته را در خاطر بیاوریم وضعیت اجازه
نمیدهد که ما تنها بایفای همان وظایف عادی
اکتفا کنیم، بلکه لازم است ماسوای
تکالیف رسمیه فقط بنام وطنیت از هر گونه
امداد عملی و فکری مضایقه ننماییم.

شاید این معروضات را، برخی از حضرات
تحصیل حاصل یا تکرار بدیهیات
دانند؟ لیکن مقصد ما هم تذکار همان
تجرب به مشهوره گذشته است که باید
بصدائی رسا عرض کنیم بر بادی ملک ذات
ملت و پیش آمد هر بد بختی نتیجه تبلی

در قیمت انیس تخفیف دادیم

انیس مجله ایست ملی و همه وقت برای خدمات اجتماعی کوشش میکنند که راه آسان و ساده تری اتخاذ کنند تا عموم هموطنان عزیز بهر استفا ده کنند.

و چنانچه ما همیشه کوشش داریم که مندرجات این جریده مطابق ذوق عمومی هموطنان عزیز ما باشد و البته کسانی که این جریده را مطالعه میکنند خوب تر حس فرموده باشند که درین دو ره نادر شاهی بفضل خداوند همه جرائد وطن عزیز ما رو باعتلاء است.

لذا ما هم میببینیم که مشترکین جریده ما رو بترقی گذاشته در هر پوسته عده از رسدات خزانه از طرف مشترکین می رسند.

چون مقصود غائی اداره نه تنها جلب منافع مادی است بل تنویر افکار ملت عزیز را اولین فرضه خود میداند و هم میل اهالی و قارئین گرام را دیده در قیمت اخبار خود یک اندازه که اداره تحمل آن را کرده توانست تخفیف دادیم تا آقایان که از جهت ناداری نمیتوانند اشتراك نمایند اشتراك کرده بتوانند.

لذا ما در داخله وطن عزیز قرار ذیل قیمت اشتراك را مقرر نمودیم:

سابق	حال
من کز ۱۲ افغانی	۱۰ افغانی
ولایات ۱۴	۱۲
طلبة معارف ۷	۵

در خارج قرار سابق حق اشتراك گرفته خواهد شد.

(اداره)

که عبارت از وکلای شو و رای ملی و اعضای مجلس اعیان و نماینده های وزارتات می باشند بریاست ع، ج محمد ایوب خان وزیر مالیه که شخص صادق و با کفایت است بحیث ریاست تفتیشیه فوق العاده ولایت قطن و بدخشان با اختیارات و هدایات مکفیه اعزام فرمودیم تا هیئت مذکور در تمام حکومتی ها و مرکز خان آباد و بدخشان گذاره ما مورن ملکی و عسکری را در حوضه ما موریت شان با النسبه رعایای عزیزم و اجرا آن کارهای شانرا از حیث وظائف غور و خصوص کرده واریسی بنمایند، انشاء الله تعالی در اثر این تفتیش نتائج خوبتری بوجود آمده شما رعایای عزیزم موافق نصب الیبنی که داریم همواره قرین آسایش بوده بدون هیچ گونه مشکلات در زیر سایه توجه حکومت تان آرام و مطمئن زیست خواهید کرد. در خاتمه از در گناه خداوند کریم برای تمام ما مورن حکومت صداقت و راست کاری و برای هر فرد ملت عزیزم سعادت و آرامی را طالبیم.

(تاریخ ۸ برج جوزا ۱۳۱۱)

(۲۲ محر الحرام ۱۳۵۱)

مقاله وارده

اهمیت قشونی در عناصر

تمدن

شالوده تمدن هر ملت در زمینه عناصر چندی متبیینست که هر يك از آن عناصر مبدأ تمدن محسوب و هر نوع ترقیات از همان مبدأ خود ناشی گردیده در اثر قرون متبادیه بشرطیکه از آنها جهات حوادث داخلی و خارجی مضمون بهمانند متناوب با یکی بعد دیگری سرا حل تکاملی خود را می پیماید ، مثلاً صنعت ، تربیت زراعت ، تجارت ، ادبیات ، علوم فنون و هکذا دیگر قواعد و قوانین اجتماعیه که جریانات محبطی بر روی آن میگردد هر کدامی بمراتب متفاوت در اصول و نوامیس تمدن ملل مقامی را محرز و موقعیتی را حایز است ، و هنگامیکه این عناصر تمدن در يك ملت توانست سرا حل تکاملی را به پیماید آن ملت را ملت متمدن توان گفت ،

اما قشون تربیت شده و منظمیکه به جمع فضایل و مزایای عسکری متعارف بوده روح عسکریت با معانی حقیقی از حیث ایفاء وظایف برای خدمت جامعه و وطن در عروجش دمیده شده باشد اولین عنصر تمدن و وسیله استحصال مجد و شرافت ملل شناخته شده که در صورت عدم وجود يك همچو قشونی سایر عناصر تمدن زیب و روانی به خود نمیتواند گرفت ، بعبارت دیگر قشون

منظم برای پیشرفت تمدن يك ملت ممد اعظم و کافه عناصر تمدن را حامی عمده و ناصر زبده میباشد ، چه هر يك عناصریکه از مبادی متذکره می آغازد ، در آغوش امنیت محبطی با سیر کند و بطاآت که قرون متوالیه را بهم تسلسل میدهد ؛ مدارج تکامل را نایل می شود ، و تمهید بساط امنیت در ساحه يك مملکت منوط بدرجه اهمیت قشونی آن مملکت است ، یعنی در مملکتی که همچو يك نظام منظمی موجود است امنیت تامه در آن مستقر و جامعه آن در آغوش مامونیت به تکمیل هر يك عناصر تمدن و اعتلاء می بردارد ؛ کذا در مملکتی که قشون منظم نیست امنیت از ساحتش مرتفع بوده شیرازه اجتماعی منقطع ؛ و وحدت ملی از هم پاشیده ، شخص مقتدر دست تطاول و تمدی بر اشخاص ضعیف دراز کرده ضعفاء از خوف دستبرد و مظالم متجاوزین بی مروت نمیتوانند مأمون بوده ؛ زارع بزراعت ؛ اهل کسب و صنعت بصنایع و مکاسب ، کسانی که ذوق علم و فن در سر دارند به تکمیل علوم و فنون ؛ و هذا لقیاس هر کدام به پیشه که حسب سلیقه خود اختیار می نماید پرداخته باشد تا عناصر تمدن سیر طبیعی را ادامه داده مدارج تکاملی خود را حائز گردد ؛ پس در صورتیکه تکامل مدنیت يك ملت در آغوش امنیت تجسم نمود ، و جز بر سیاق امنیت ممکن نیست این قافله سعادت خود را نوع بشر ، راه

تکامل اندازد ، این هم مبرهن که حصول امنیت برای يك ملت ، ایم الا مکان است مگر بمیدان و برکت قوه قشونی . زیرا قشون است که اغوائی محبطه مملکت را مرتفع میتواند ساخت ، قشون است که حقوق فردی و اجتماعی ملت را متکفل صیانت بوده حقوق افراد ملت در مقابل تجاوز زات متمر دین داخلی در داخل محفوظ و برای حراست حقوق و شئون اجتماعی ملی خود در مقابل معاندین خارجی که خیال تجاوز برای غصب و بلع و پامال نمودن شان و شرف ملی اش در دماغ می پروراند جهته فشردن گلو و پاشاندن مغز آن در میدان شجاعت تا ریختن آخرین قطره خون خود قیام نموده شرافت ملی خود را محافظه می کند .

قشون است که سطوت و قدرت يك ملت را به نزد اجانب انبات می نماید . قشون است که قوانین موضوعه يك حکومت که بنابر رفاهیت و آسایش جامعه وضع میشود بوسیله آن اجرا و معمول می گردد ، قشون است که اوامر دینی و مذهبی که برای ارتباط افراد ملت برشته وحدت و یکتگی او این عامل عمده است اجرا می پذیرد ؛ قشون است که شرافت سطوت حیثیت و قاد و اعتبار ملل را در قبال تمهاجات حوادث غیر مترقبه تأمین می کند ، الحاصل دوام و بقای يك ملت و حیات با شرف آن در محبطه کیتی فقط و فقط به نوك سر نیزه جگر دوز و دم شمشیر خون ریز عسکرو قشونش

بسته است ملتیکه قشون منظم دارد در حینه
زندگانی کوس سیادت و فخر می گوید
و عکس آن ملتیکه از مجموع يك نظام منظمی
ماریت از ترقی و تمدن هم عاری بوده هر
ساعت حیانش به فدا و موجودیتش به انعدام
قرین و شیرازه شرافت و شئون ملتیش به
کمیختن و انقطاع تهدید می شود ؟ ؟ يك
نظر به اوراق تواریخ ملل و تطویر امور موضوع
مقال ما را تأیید و اثبات می کند ، که هر
ملتی بروی کمتی که فتوحات شأن داری
کرده دول عظیمه را تشکیل نموده مثل
طوائف عرب ، در بدو طواع دین اسلام
واقوام مغایه ، صرف به نیروی قشون بوده
است ، زیرا قبل از نبوغ اسلام در عرب
تمدن وجود نداشت ، همچنان در مغل از
ابتدای خروجش الی هبوط ستاره مجد
و اقتدار آن تمدنی از حیث علم و فن صنایع
و ادبیات و غیره در کار نبوده اریین
بجا معلوم می شود که قشون در هر
وقتی وسیله استحصا ل حیات باشرفانه
ملل بوده و جمیع عناصر تمدن در ظل حمایت
آن مراحل تکامل را طی مینماید ؛ به نحویکه
اگر يك ملت استعداد قشونی را فاقد باشد
تمدن خود را هم نمیتواند از آنها جمات و تصا
دمات حوادث داخلی یا خارجی صیانت کرده
رنگ و رونقی بدهد ؛ گرفتیم که تمدن را
تا درجه ئی رسانید باز هم چون اقدتدار
محافظت آنرا ندارد انتزاعش خیلی ازودی
محتمل و مظلون است ؟ ؟

چنانیکه یونان قدیم تمدن کامله را مالک

بوده چه حکما و فلاسفه از محیط خود بظهور
آورد که هر يك حصه کافي را در صحایف
تاریخ با خطوط برجسته به خود اختصاص
داده است ؛ ولی چون از وجود قشون منظم
و تربیت شده که بتواند صیانت آن تمدن را
کرده بقاء نماید عاری بود طوری بسیر
تقهقر برگشت که امر و زه در خلال ملل
متعدد نه نامی از آن برده نمیشود ؛ همچنین
روم قدیم ما را میکهد انتظام قوه قشونی اش
به اختلال برنخورده بود مالک بود همان
شوکت و حشمتی را که قسمت قابلی از اوراق
تواریخ را محلو ساخته است ؛ اگر از ملل
قدیمه که مستند بتواریخ میشود بهمین
مختصر نگارش صرف نظر نموده عطف
توجه به حوادث سه سال قبل محیط خویش
که میرفت جامعه و جمیع شئون ملی ما را
از ساحت وجود برداشته به حضیض خمول
پر تاب کند بنمائیم این مبحث بحال خود ما
منطبق شده دیگر شبهه نمیداند ؛ این است
که میگوئیم اگر از عدم تدبیر آن قشون
افغانستان که تربیه و انتظامش « چنانچه در
کتاب نادر افغان مندرج است » بچه خون
جگری ها و زحمات فوق الطاقه سالیان دراز
رجال مدبر مملکت صورت بسته بود برهم
نمی خورد ؛ چرا بآن بلای مبرم و مصائب
جسم و روح ما را تحت فشار گرفته مخنق
ساخته بود اسیر و گرفتار میشدیم ؟ اگر آن
عسکر منظم در انوقت وجود میداشت آیامی
نواست یکمده مجد و دی از دزدان کوه

گریز علم نمرود برافراشته زمام سلطنت
متمدن را منقطع و صحیحه مملکت را
جولا نگاه وحشت قرار داده دوره سفاکی
چنگیزی را تجدید و تقریباً ربع ملت را
گر داب خون قتل و شهادت غرق
و معدوم ، ما بقی را بخاک مذل
نشانده دین مقدس اسلام را که ازان اند
وحشت اشتعال و کردار نابکار هزار
میل گریزان است دام تزویر و باربچه و
میل واهواء شیطانی خودی سازند ؟ هر
احتمال هم نمیرود ولی بنائیم و سجده
نمائیم لطف احسان خدای متعال و قد
لایزالی را که اراده اش بقاء و خول
ملت بیضاء اسلامی در لوح مشیت ق
منظور نه کشیده در عین اینکه توده
در امواج متلاطم عدم شناوری
و یازده کاهی دست دعا بسوی آسمان بالا
دفع انمظالم با يك جهان عجز و انک
طلب و زمانی هم در حالت که به لجه فنا
همیرفت با احساسات متردد گوشه و کنار
را تجسس نموده نجات دهنده می جوید
و حتی از دیدن همچو يك فردی که بتواند
حافظ کون مکان و خالق جن و انام احک
چون فرشته رحمت بدست داشته نجات
چشم امیدش نابین شده بقاء خود
تقدیر داده بود اعلی حضرت محمد نادر
را بسر و قتش رسانید که این راد مرد
به نیروی کیاست و قوه تدبیر و سیاست
خلاق کریم در وجود شر بفش
فرموده است واعانت ربانی ملت را
ورطه هلاک و برتگاه مهیب نجات و

باز جرمی

تحریر سینور گوگ میل موفریو

- ۳ -

درین جا، در جینوا، من از یک نفر جرمنی دارای وضعیت سیاسی و فکری خیلی بلند شنیدم که به یک متصدی بانک می-گفت:

«در جرمنی یک صد هزار فامیل وجود ندارد که مالک اعصار و املاک باشند، و تمام فامیل ها که در آن من نیز شاملم عبارت از پرو لئار ها می باشیم که هر روز رزق خود را از کار دستی و یا دماغی حاصل می نمایم.»

و یک جرمنی دیگر که من او در باره قوای محافظه کاری دنیای کنونی گفتگومی نمودم شانهای خود را بالا کرده به من جواب داد که: «ما که در جرمنی هیچ نداریم که آنرا محافظه کنیم. بجز قروض خود این یک وضعیت فاجعه ناکی که نظیران در تاریخ دیده نشده است ولی یک جنبه تحفظی نیز دارد که یگانه راه نجات آنرا تشکیل می دهد یعنی کار و وقت و در اثر آن اعتبار و امن جنگ و انقلاب شاید عبارت از اخذ انتقام خونخوارانه جرمنی از دنیا باشد ولی به خود او نیز خیلی گران تمام خواهد شد چه یک قسمت نفوس او را کرسنه کی در معرض مرگ خواهد گذاشت:

زمانی که در آن محاربات مفید ثابت شده

که تکامل و تقهقر یک ملت بسته بدرجه اعتبار قشونی اوست رسیده انتظام داده است، و به تربیت و پرورش آن از هر جهتی چون پدر خیلی مشفق و مهربان او امر لازمه اصدار و حتی بشخصه نیز توجه میفرمایند: و این عسکر شجاعت پی-کر که در میدان مبارزه برای خدمت وطن و جامعه خود در استیصال ریشه فساد و استقرار امنیت تا مه در سرتاسر محیط مظهر خدمات لایق تقدیر و داد شجاعت داده است که به نسبت عدم تربیه صحیح نظام نامنظم محدود در گذشته قریب بدامان عسکریت این ملت نشسته بود، بآب همت و شجاعت شسته است؛ ما را به مستقبل مشعش و درخشانی نوید داده امید وار میسازد که، در آتیه پس قریبی بزیر لواء فتح و بر چم نصرت مظهر این عسکر غیور و در ظل عاطفت و عدالت مربی آن «یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی» در آغوش امنیت و آرامش، و مهد رفاهیت و آسایش میتوانیم سایر عناصر تمدن خود را نیز چون دول مقدمه کنونی راه تکامل انداخته به اوج اعتلاء رسانیم و حیات با شرفی را که مطلوب و مأمول ملت حساس افغان است نائل گردیم؛ لذا ختم مقال خود را باین کلام می-نمایم که: زنده باد اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه: قوی و پابنده باد قشون فاتح منظم ما.

(سید احمد شاه بعد لیه)

امن و سلامت کشانیده رشته از هم گسیخته شرافت و آبرو مندی ملت افغان را بهم اتصال و محکم نموده بر افراد دانشمند وطن ایجاب کرد تا درز مره و ظایف وجدانی و فرائض ایمانی خود خدمات قابل ستایش و جهان قیمتش را در اوراق دفتر یادگار برای انتباه و توجه فرزندان آتیه و وطن از تقدیر بآب زر و خطوط برجسته ثبت نموده از اجرای این وظیفه وجدانی خود را مباحی و مفتخر بدانند حالا که با کمال یقین دانسته شد حیات و ملمات یک ملت و درجه ارتقاء و انحطاط تمدن آن مربوط بدرجه اهمیت و قوای قشون وی است، و از ملتی که فاقد یک همچو قوا و متشابه به جسم بی روحی است نمیتوان امید حیات داشت باز حمد پی قیاس و سپاس عبودیت اساس نثار میداریم مر خالق جن و ناس را از کمال رأفت زمامداری بها ارزانی و عنایت فرموده است که نه تنها کشتی سکان شکسته وطن و ملت را از گرداب فنا، بسا حل نجات کشیده کلیم مانم را از ساحه مملکت و وطن محبوب جمع، و بساط سرور و نشاط تمهید و ملت را در آغوش امنیت و آسایش شانده ازین جهت ذات والای خود را محبوب و خاطر ها را مفتون و مجذوب گردانید، بلکه تمام وسایل اعتلا و لوازم تمدن و ارتقاء ما را فراهم و بر اساس متین طرح نموده است، از ان جمله قشون منظم و با تربیتی است که حسب مقتضای روح سلطنتی و جذبات نیک و مقدس خودش بعوالم عسکری که فکر نا قب و رأی صائیش بکنه این نظریه

خساره انقلاب از تهاجم بر مالک همسایه جبریه می شد گذشته است انقلاب فرانسه در آخر قرن ۱۸ هم هنوز از فواید مختصی به آن از منته استفاده نموده زیرا در وقت انقلاب مذکور محاربه بایک تعداد قلیل عسکر و سلاح و مصارف صرفه جویانه اجری می شد و در عین زمان غارت های زیاد بدست می آمد اگر جرمنی باز سلاح را بدست بگیرد حتی در صورتیکه جنگ بطرف او فیصله شود هم شاید مردمی را که در اطراف او موجود هنوز را حتی دا رند تباه کند و ولی غارت خود او زیاد خواهد شد و انقلاب حتی يك انقلاب اساسی و خیلی قابل تمجید هم نمیتواند معجزه را که يك قسمت جرمنی منتظر است نشان بدهد . اکثر جرمنی ها می گویند بایست يك اصول جدیدی طرح شود ، زیرا وضعیت موجوده خیلی خراب است . اگر محض ایجاد يك نظام جدید سیاسی کفایت می نمود تاریخ دنیا خیلی ساده تر و حیات انسانها اسانتر می شد . سرمایه چیز دیگری نیست بجز از ثروتی که در ماضی جمع شده است و در حال مارا مقدر می سازد امرار حیات نموده برای آینده خود تهیه به بینیم . برای مردمی که به نسبت احتیاجات خود سرمایه کافی ندارند دو علاج موجود است :

اولاً تولید ثروت - و یا مجبور ساختن ثروت مندان بدادن قرض .

اصلاح موصوفات اجتماعی نیز نه می تواند از هیچ ثروت خلاق نماید تا به چنگ چه رسد .

علاوتم انقلاب روسیه این مطلب را بصورت قطعی ثابت نمود . مجادله نمودن بر ضد قلت سرمایه بوسیله اعلانات وقوانین و اصلاحات اجتماعی عبارت از کوشش مایوسانه است . اعلانات و قوانین و اصلاحات اجتماعی بگي بعد از دیگر آمده می رود ، ولی سرمایه زیاد نمیشود . فراهم آوردن ثروت خصوصی غیر ممکن است . ثروت فراهم آمده عمومی وجود ندارد قرض هم خیلی محدود است . و این چیز است که علت دو چار شدن لایبی پلان پنج ساله را به سبب می گیرد .

اختلافات سیاسی که حتی بدون منجر شدن به حرب ، اعتبار جرمنی را در نظر امریک و اروپا زایل میسازد ، جرمنی را بچنان وضعیتی گرفتار خواهد ساخت که روسیه به آن گرفتار است ، یعنی برای سالها بافتن قرض را برای او غیر ممکن خواهند ساخت .

کداه گیری که در ضمن خود مجادله را با مغرب نیز داشته باشد ، شاید بکثرت مقابله با المثل جرمنی باشد در مقابل اروپا ولی برای خود او به مشابه انحصار ثابت خواهد شد .

ما نباید این وضعیت را از نظر خود دور داشته باشیم ، زیرا ما باید جهت وقایع جرمنی و حفاظه اروپا از مخاطراتی که هر دو را تهدید مینماید به خود جرمنی رجوع کنیم .

ظاهراً است که بحران جرمنی خیلی مشکل تر از آنست که در شش ماه و یا یکسال ختم شود . اساس های ابتدائی آن از خیلی قدیم

است و اصلاح موصوفات آن وقت میخواهد . گذشته از دلایل دیگر ، از روی همین دلیل باید سعی کنیم که وقت حاصل نماییم . هر ماهی که بدون حدوث يك فاجعه میگذرد عیناً مانند يك افاده ایست که در راه نجات نموده شود . (۱)

خواهیم شنید که در ماه و سالهای آینده به نسبت جرمنی از بین عقاید ملت (نیشنلزم) اتحاد جرمنی (پان جرمنیزم) اشتراکیت (سوسیالیزم) و کمونیزم ، بحث زیادی خواهند نمود . اروپا هنوز کمان میکند در روزهای پر از مسرت قبل از ۱۹۱۴ است که در آن وقت چنان به نظر می آمد که آتیه دنیا بر مجادلات ذاتی بینی عقاید مختلفه مبني است .

امروز جرمنی مانند روسیه ، و مانند ثلث اروپا مسئله وجود مادی را در مقابل خود میبیند . مثلاً حالا مسئله انتخاب در بین ملیت و اشتراکیت فی بلکه مسئله حیات و زنده گي روی کار است . يك مسئله تکرار نفوس روی دست است که این مسائل تماماً تابع آن میباشند .

اروپا در بین ۱۸۸۰ و ۱۹۱۴ يك نظام بزرگ عملیات و مشاغل را تولید نمود که او را مقتدر ساخت يك نفوس خیلی زیاد را تغذیه نماید . ولی بعد از آن در اثنای

(۱) این عبارت از عقاید احزاب سیاسی جرمنی میباشند .

فنون اختراع

ساعتیکه حرف میزند

رصد خانه پاریس مجبور به ایجاد يك ساعت حرف زن گردیده است . چون كه هر شخص فرانسه میخواهد تمام وقت را بداند بوسیله تلفون از رصد خانه میپرسد این سولهها آنقدر زیاد شده است كه رئیس رصد خانه برای جواب دادن آنها مجبور به استخدام چند نفر مأمور علیحدہ شده است . نهایت بعد از تفكرات زیاد برای را - آ جواب دادن سوال كنندگان ، يك ساعت ایجاد کرده است .

این ساعت بوسیله الكتريك كار میکند به همان قسم ساعت كه حرف میزند ، بطرز فلم های ناطق يك پارچه فلم علاوه کرده شده است این فلم يك صورتی وضع شده است كه بعد از هر ۵ ثانیه حرف میزند ثانیه ها را به كلمه پی ایپ پیپ می شمارد . بنا علیه وقتیكه شباهه رصد خانه تلفون کرده

حرب آن نظام را برهم زد و حالا وسیله اعاشه يك قسمت نفوس خود را ندارد . اینست ترددي كه ما به آن گرفتار میباشیم . اینست حال ما و این هم كار ما .

تمام تحریكات سیاسی كه روی كار آورده میشود ، به مناسبت خدمتی كه جهت حل این مسئله از ایشان صادر شود ، یا محض جنون و بایك ابهام ثابت خواهند شد .

(انتهی)

(ترجمه از لندن نیوز)

از هر طرف :

يك دختر انگلیس

۴۵ روز گرسنه زندگانی نمود

لندن - دریکی از شهر های خورد انگلستان ، یکی از اشراف قصبه لیستر شائر اوه اعلان نمود هر دختر جوانیکه ۴۵ روز گرسنه کی بکشد ۲۰۰ پوند اشتر لنگ انعام به او داده خواهد شد يك دختر جوان همان شهر این تکلیف را قبول کرده شروع به گرسنه کی نمود دختر جوان مذکور ۴۳ روز را به لیمونات و سكرت گذشتانده ، روز چهل و سوم مرگش بنسای قریب شدن را گذاشت . دو ككتور ریاست بلد به وقتیكه وضعیت را مهلك دید ، میخواست به این گرسنه کی خاتمه بدهد ، لاكن دختر جوان از دو ككتور التجا نمود و گفت : رجا میكنم ، دو ككتور ؛ دو روز دیگر نیز مرا مساعد بدهید ، پول خیلی احتیاج دارم . چونكه میخواهم والدۀ خود را كه در تهلكه مرگش است عملیات كنم .

دو ككتور به خواهش دختر جوان اهمیت نداده به پولس مراجعت نموده لاكن به مداخله پولیس لزوم نمااند ، زیرا

وقت را به پرسید ، خود ساعت بشما جواب میدهد : از ده ، پانزده گذشته است . پی ایپ - پی ایپ - پی ایپ ها

علامت ثانیه است . (صون بسته)

کسی که این شرط را بسته بود قبل از ختم مدت ۲۰۰ پوند اشتر لنگ را بدختر جوان تادیه نمود .

متعاقب این حادثه دو ككتور های كه دختر جوان را معاینه نمودند گفتند كه دختر جوان قابلیت ۷ روز گرسنه کی دیگر را نیز دارد .

بودجه بحریه امریکا

واشننگتون - (آناطولی ژانس) مجلس مبعوثان ۳۲۶۳۴۰۰۰۰۰۰۰ دلار بودجه بحریه را قبول و تصویب نمود .

در دیار زنهای ریش دار

در يك حصه فرانسه جمیع زنهای صاحب ریش اند

پاریس - در جوانی لوتیگا رون فرانسه جمیع زنهای صاحب ریش و بروت هستند . این زنهای بعد آراین كه بسن ۴۰ ساله کی میرسند به مثل مرد ها ریش می كشند .

سبب این حادثه باوجود همه تدقیقات

فهمیده نشد . تا الحال معلوم نشده است

كه آیا تاثیر هوا ، یا آب آن حوالیست

كه در زنهای ریش و بروت وجود می آورد ؟

علماء و پروفیسور های معروف این حادثه

را تدقیق نموده اند ، لاكن برای این

هیچ يك چاره نیافته اند . درین شهر

هر طرف بازوهای ریش و بروت دار مقابل

میشوید ، نهایت وقتیكه بایك زن بی ریش

و بروت مصاف شوید خیلی حیرت خواهید

کرد . زنهای نیز ، نزد مرد ها هر روزه

بدكان دلاک رفقه ریش و بروت خود را

میتراشند .

مجهولات دنیا

در سواحل او قیانوس کبیر بعضی
هیاکل بسیار بلند که از سنگ ساخته
شده است موجود است. اینها را کی
ساخته؟ تعمیر کننده های اینها از کجا
آمده؟ بکجای رفته؟ هیچ کس نمیداند.
در ایران خلق برای یافتن آب بکوه ها
بالا میشوند

طهران - در جنوب ایران امیدهای
که به باران اول بهار بسته بود، بیهوده
رفت. از خشکی جمیع مزارع خشک
شد.

آب های اکثر چشمه ها خشک شده
است. خلق برای گذشتاندن تابستان
و یافتن آب بکوه های اصفهان بالا
شده اند. برای بار کردن چاه ها مهندسين
زیاد از طهران فرستاده شده است اگر
این چاه ها نیز به موفقیت نتیجه ندهند
خلق از بی آبی از جنوبی ایران هجرت
خواهند کرد.

یلانی که يك ميليون لیرا قیمت دارد
این بلان از پوست يك مرغی که الآن در
دنیا وجود ندارد ساخته شده است.

آخرین انسان يك عرق

در جزایر جنوب منسوب به عرق پوئی -
او توي فقط يك آدم مانده است. بعد
از مرگ او، عرق مذکور منطفي خواهد
شد. (صون پسته)

خبر هاي داخلي

سوادتلاگرام جناب والا حضرت
صدر اعظم صاحب بوزارت خارجه ژاپون
از خبر تأسف آور قتل جلالت مآب
صدر اعظم دولت علیه ژاپون متاثر و متالم
گردیده مراتب تعزيت و همدردی حکومت
افغانستان را بحکومت ژاپون و باز
ماندگان ایشان اظهار مینمایم.

قدر دانی از شهداء

البته قارئین محترم در جرائد وطنی از
آن قدر دانی حکومت متبوع ما که در باره
عالم عسکری و خدام صادق این آب و خاک
اسلامی مرعی میدارند مطلعند و هم
خوانده اند که در موقع شهادت ع، ع، ش
عبد الوکیل خان نائب سالار چه گونه
مراسم تجویز و تدفین و عزاداری اوشان
را انجام داده علاوه بالنسبه اداره حیات
باز ماندگان آن شهید راه وطن الطاف
و مرحام مخصوصه شان را مرعی فرموده
برای آنها مبالغی را که برای سائر باز
ماندگان شهدای عسکری اعطای شود
مقرر فرموده اند.

کنون مطلع شده ایم که در اثر خبرگیری
های پدر معنوی ما اعلیحضرت محمد نادرشاه
غازی که دایماً از رعایا و مخصوصاً از
باز ماندگان همه چه شهدای نامور عالم
عسکری میگیرند، باین نکته متحسّس شده
اند که باز ماندگان ذکور و اناث نائب
سالار مرحوم زیاد و این مبلغ مقرر ممکن
است که در ادارت معیشت آنها متکفی
نباشد، لهذا وجوه دیگری را نیز بر آن

افزوده امر دادند تا برای آنها از طرف
حکومت الی زمانیکه اصول موضوعه
حکومت آن را برای ورثه شهدای راه
سعادت وطن تعیین کرده، اعطای
و کرامت شود.

ما در برابر این عسکر نوازی و خادم
پروری اعلیحضرت غازی اظهار مسرت
نهایی خود را کرده نه تنها ورثه آن شهید
بلکه عموم خدام وطن را باین قدر دانی
حکومت متبوع شان تبریک میگوئیم.

مذاکرات پستی

مدیریت مستقلمه پسته در نظر داشت که
باب مذاکره را، را جمیع به داد و ستد پسته
و تلگراف با هند و برطانیا باز داشته
قرار دادی عقد نمایند.

چنانچه برای همین نظریه دو نفر نمایند
از جانب دولت برطانیا «مستر بروکن» و
«رای بهادر مگرچی» وارد مرکز شده
اند مدیریت مذکور هم داخل مذاکره
و مفاهمه شده اند که تفصیلات آنرا
البته در آتی خواهم نگماشت.

مقرری

(معین دوم وزارت حربیه)

قراریکه اطلاع حاصل کرده ایم و، ج
عبد لغی خان سابق وکیل نائب الحکومه قدما
بررتبه فرقه مشری اول بمعین دوم وزارت جلیل
حربیه عوض عی علی شاه خان حال قوراندان
مکتب حربیه عزتقرر حاصل کرده اند.
انیس: عهده جناب آقای موصوف
تبریک گفته از خدای متعال موفقیت کار
شان را خواهان است.

خبرهای خارجی

تاس :

بحران کابینه در جاپان

توکیو ۲۳ می همه مطبوعات بوضعیت مشکل سیاسی مربوط به طول کشیدن تشکیل حکومت اشاره مینمایند. در نتیجه بحران حکومت در بورصه ها کارها معطل و صنعت کاران محصولات را اختصار نموده اند. و بعضی از مؤسسات معطل شده اند.

توکیو ۲۳ می : تشکیل کابینه جدید به سائیتو (والی سابق کوریا) عضو محکمه عالی محول گردیده است.

چین

نانکین - جریده «تسا کوپنا او» در سرمقاله خود اشاره مینماید که در مسئله راجع به تجدید مناسبات با سس ر حکومت نانکین چنان وضعیتی به خود گرفته است، مثلی که با این شناختن مرحمت بزرگی نسبت به

عزیمت

عج آقای محمد ایوب خان وزیر مالیه که از حضور بریاست تفهیمیه قطغن و بدخشان مقرر شده اند الیوم عازم صوب و لایت مذکور گردیدند.

سس ر می نماید.

جریده مذکور چنین يك وضعیتی را صحیح نمیداند، به تجدید مناسبات توصیه نموده اشاره می نماید، که حکومت چین درین پنج سال اخیر داخل هیچ يك سیاست خارجی نشد. است و وقت خود را بیهوده بعبارت پردازی بسیار بلند صرف کرده است، و هر روز زیاده تر در دایره تنهایی عاملیت سیاسی خود محدود می ماند.

جرمنی

برلین - همه مطبوعات با يك وضعیت هيجان آمیزی استر داد پیشنهاد جرمنی را راجع به شناختن طیاره های جنگی و اسلحه تسعری از طرف کمبسون کنفرانس خلع سلاح اشاعه و اشاره می نمایند : که کنفرانس درین مسئله تنها خلع اسلحه جرمنی را فیصله نمود جریده مذکور می گوید که مطالبه اول حقوق مساوی برای جرمنی از طرف فرانسه ها و بلجیجکی ها واضحاً رد کرده شد.

برلین :- پسر شاه حجاز فیصل ؛ بعد از ختم ملاقات جرمنی بطرف سس ر حرکت خواهد نمود و ازان جا از راه تورک بوطن خود عودت می نماید.

یونان

آتنه - جمع ما مورین پسته ، تلگراف و تلفون تمام یونانستان اعتصاب عمومی

نموده اند، تعطیل مذکور بقسم پروتست بر خلاف تقلیل معاش ما مورین و مستخدمین و بلند شدن قیمت خوراکی واقع گردیده است. حکومت قانون تجهیزات نظامی را راجع به اعتصابیون وضع نموده.

متحدہ امریکای شمالی

واشنگتون - رئیس شعبه اجرا ثبیه وزارت بحری بعد از مشوره با ستمسون اظهار نموده که دسته چهارات اتلانٹیک الی اول ماه اکتوبر در ابهای بحر الکاهل خواهند ماند.

ایتالیا

روم - مطبوعات ایتالیا راجع به رسیدن عصمت یاشاه و توفیق رشدی بیگ بانامه نگاران و یک مسئله مبعوثین پارلمان بتاريخ ۲۷ می اطلاع داده اشاره می کنند، مقصد از این مسافرت تحکیم مناسبات دوستی بین ایتالیا و ترکیه است.

سس ر

مسکو - کور سیوس وزیر امور خارجه سابق جرمنی، حال رئیس جمعیت (تحصیل اروپائی شرقی) وارد مسکو گردید. و در استانبول از طرف کرستینسکی و سفیر جرمنی و دیگرها استقبال شد. کور سیوس با اکثریه ادارات علمی و غیر علمی آشنا شد.

مسکو - در سال حاضر به مکاتب مختلفه

و ادا رات تربوی س س س ر
..... ۸۰ نفر شاگرد و از آن جمله
..... ۴ اطفال خورد تعلیم میگیرند.

پولیند

وارشاور - در وارشاور سفیر تورکیه
جواد بیگ بمرض فالج فالج و ضف
قلب وفات نمود.

عبد الغفار خان سرحدی

عبد الغفار خان سرحدی را که از چندی
حکومت هند محبوس کرده ، و تا کنون
مفقود الاثر بود ، حالا از ذریع موثوق
معلوم شده که خان مذکور در هزاری
باغ سنترل جیل محبوس است .

یک هفته پنجره خواهد شد

مستر هورر رئیس جمهور امریکه
برای سهولت بعض اصلاحات اقتصادی
مجاز کرده است که یک هفته بجای
هفت روز مجوز کرده شود .

شهزاده یمن غریق بحر گشت

شهزاده سلف الاسلام (محمد) پسر
امام یحیی والی یمن بهمرای چند نفر
دیگر در بحر سمندر شناوری میکرد ، از
باعث وقوع ناگهانی يك طوفان شدید
بمعهم يك نفر رفیق دیگر خود غریق بحر
گردید شهزاده مذکور بسیار يك شخص
لایق و شجاع و اسلام دوست بود . انا لله
و انا الیه راجعون ، (مدینه)

تلفات هندو و مسلمان در بمبئی

۲۰ می : قرار اطلاع بمبئی که در
هفته گذشته یکم هزار و پنجاه نفر مجروح
و یکصد و پنجاه نفر مقتول شده اند
و تلفات هنوز روبه ترقی است .

(سیاست)

گرفتاری یکنفر انقلابی سرحد

سمندر خان که یکی از قائم دین
سر خپوشان سرحد بود و از مدت دراز
خفینا بحریکات انقلاب می نمود و چنانچه
در بعضی امور هم کامیاب شده و لقب
سالار فاتح را هم از جماعت خود
حاصل کرده بود گرفتار شد .

(پیغام سرحد)

یوگوسلاویا و شهزاده انگلیس

قرار اطلاع لندن که يك وفد از تمام
اقلیات یوگوسلاویا تحت ریاست بر پتهک
و که سابق وزیر بود ، به لندن رسیده
و پانس آر تهر کلمات را برای تحت
شاهی یوگوسلاویا دعوت کرده اند
و هم سبب نارضایت خود را از شاه
موجوده در حدت اجراء امور حربی
اظهار می نمایند . (مدینه)

یونان

مسکو ، ۲۵ می :

آنچه - با اعتصابیون مستخدمین پوسته

تلهگراف و تلیفون - مستخدمین تفهیش
حکومتی ، مفتشین مالی و مامورین گمرکی
نیز مایحق کر دیدند .

فرانسه

مسکو ، ۲۵ می :

پاریس - قرار اطلاع اجنت ها واس
کور کولیف در نزد مفتش ، اطلاعاتی
را که در باره او راجع به رفتن در پولند
و چیخا سلاوا کث بود ؛ اقرار نمود
لاکن جدا از بند که . گویا او در پاری
بالشویکی عضویت دارد . انکار قطعی
نموده . کور کولیف علاوه نمود : که
او فقط در پاری سوسیال دیمو کرانی
چیخا سلاوا کث عضویت داشت .

چین

مسکو ۲۵ می قرار اطلاع شما نگاهی
شورای نظامی حکومت نانکین امری برای
ار دوی ۱۹ نانکین صادر نمودم تاقی لفور
بطرف ایالت فونسو زیان برای اشتراك در
هیت تادیبی بر خلاف ولایات شوروی
رهسبار گردد . و پس قونسل انگلیس در
نزدیکی نانکین از طرف عسا کر نانکین
مجروح گردیده است . در زمانی که قونسل
مذکور در دلا یا تیکه از طرف سرخها
اشغال شده بود سیاحت میکرد .



مؤلف : امیرالبیان شکیب ارسلان

مترجم : محمد ابراهیم

علت پس ماندگی مسلمانان و پیش رفت اغیار

- ۴ -

و اگر امید های انسانی محض به دعا و ذکر بدون عمل و اثر حاصل نگردد البته اصول دنیا برهم می خورد و قانون شریعت باطل می گشت . آیا خداوند تعالی نه می فرماید که : (وان لبس للانسان الا ما سی) و (وقل اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله) و آیا بکسانی که از محاربه عذر می خواهند نگفته است (لا تعذرُوا قد نبانا الله من اخبارکم و سیری الله عملکم ورسوله) و نگفته است که : (انی لاضع عمل عامل منکم) ؟

اگر مسلمانان کمان می کنند به محض نماز و روزه و چیز های که ایشانرا به ریختن خون و بذل مال مکلف نمی سازد ، مسلمانند ، و محض به همین قدر منتظر نصرت الهی می باشند . ولی حقیقت این چنین نیست . ارکان اسلام منحصر به نماز و روزه نبوده ، و نه محدود بدعا و استغفار است .

خداوند چگونه دعای کسانی را قبول می کند در حالیکه می توانند حرکت

نمایند و بذل کنند ، می نشینند و میراث می گیرند - (۱)

اعتذار مسلمانان از خود و رد آن

می گویند ، مسلمانان مانند فرنگی ها مالک ثروت و قنطار نیستند

(۱) ظاهراً امیرالبیان که زکات

را با نماز و روزه ذکر نموده . باین علت

است که میداند اکثر مسلمانان آنها را

ترك نموده اند . حالانکه زکات رکن

دنیوی و دینی اسلام و نماز رکن روحی

آنست . و مسلمانان دنیا را می طلبند و از

اهم ارکان اسلام (یعنی زکات و جهاد

بالمال و النفس در راه خداوند) صرف

نظر می کنند . حالانکه خداوند جل و علی

مسلمان های صادق را به جهاد مالی

و نفس وصف نموده و در عین زمان مال

را اولتر ذکر نموده است . و در سباق

ایات قتال (و افقوا فی سبیل الله

ولا تلحقوا بیکم لی تهلک) یعنی به

عدم اتفاق و صحابه (رض) با شخصیکه

زکات نمی دادند قتال نموده اسلام شانرا

باور نمی کردند .

تا بتوانند در اعمال خیر چیزی صرف کنند و به همدگر امداد نمایند . درین حال نیز برای کسی که بدون دلیل باین مسئله قناعت حاصل نکند می گویم : برین هم راضی هستیم که . چنانچه در ذکر جهاد بالمال تصریح نمودیم به نسبت رأس مال خود صرف کنند آیا همین راه می کنند ؟

گذشته از آنکه از اموال مخصوصه خود

بذلی نذوده و اروپائی در هیچ میدان از

روی بذل و ایشار در راه فوائد عمومی

برای بر نه می شوند ، آثار

اوقاف و مؤسسات خیریه را که پدران

شان وضع نموده بودند نیز برهم زدند . پس

چطور مسلمانان می خواهند در قوه و قنطار

و حاکمیت مانند اروپائی ها باشند ، در حالیکه

به یثار و قربانی جرات ایشان کمتراند ؟

حالانکه کار جهاد حاکمیت بر زمین مانند

کاشتن در زمین است ، هر قدر که رنج

بیش تر کشیده شود ، بیش تر ثمر می توان

گرفت . و بهر اندازه که در عمل کوتاهی

بوقوع آید ، بهمان اندازه کمتر ثمر

حاصل می گردد .

مگر مسلمانان مانند اروپائی ها طالب

حاکمیت اند اما بدون ایشار و صرف مال

و از دست دادن یکی از لذات و فراموش

نموده اند که خداوند جز و علی میفرماید

(و لنبلو نکم بشی من الحرف و الجوع

و نقص من الاموال و لا نفس و الثمرات

و بشر الصابرن) .

بعضاً می گویند : بذل و قربانی را

از موده، به نقص مال و جان و فواید خود صبر نمودیم لاکن هیچ فائده بران مترتب نگردید و اربانی ها هم چنان بر ما مسلطند. این سخن را از بعض اشخاص که از ایشان شنیده ام ذکر می کنم.

جواب شان اینست که، آیا می توانند بگویند، چیزی را که بذل و قربانی می نامند با بذل و قربانی که یهود و نصاری می کنند، مشابه و یا اگر بان نسبت دهیم نسبت یک به صد است؟

درین موضوع مثال جدیدی داریم که عبارت از مسئله فلسطین است. در بین اعراب و یهودی ها در فلسطین حوادث خونینی به وقوع پیوسته افراد هر دو فریق ازین حوادث متضرر گشتند یهودی ها در تمام اطراف دنیا به متضررین یهودی فلسطین مدد نمودند، و چنانچه طبعی است عالم اسلام نیز امداد مسلمانان ها اقرام نمودند. اعانات مردم یهود با اولاد ملت خود شان بیک میلیون جینه، واعانت مسلمانان جملاً به ۱۳ هزار جینه یعنی خیلی کمتر از صد هزار بالغ گردید.

پس شاید بگویند مسلمانان ها مانند یهودی ها ثروت مند نیستند. جواب میگوئیم که کفایت می کنند اگر به امداد ملت خود برابر به یهود و فرنگی ها از روی رأس المال صرف نمایند. و از فقرای شان که بیش تر از کفایت عائله خود ملکیت ندارند چیزی نه می خواهیم زیرا خداوند تعالی می فرماید: (لیس علی الضمناً ولا علی المرضى ولا علی الذین

لا یجدون ما ینفقون حرم او لا نصحه الله ورسوله ماعلی الحسنین من سبیل) باز میفرماید (انما السبیل علی الذین یستأدمونک و هم اغنیاء انصوابان یکونو مع الخوائف) و نیز جواب میدهم که اگر یهودی ها از نقطه نظر مال از مسلمانان غنی ترند، مگر مسلمانان از روی تعداد خیلی زیادند چه یهود عبارت از ۲۰ میلیون نفر اند و مسلمین سه صد و پنجاه میلیون نفوس دارند اگر هر یکی از مسلمان ها به فلسطین یک غرش میداد و این چیز است که برای هیچ کس اگر چه به فقر شدیدی گرفتار باشد در عالم مشکل نیست سه و نیم میلیون جینه در ثران جمع می شد.

بیاید از نه عشر مسلمین صرف نظر نموده واعانه فلسطین را از روی یک عشران بشماریم یعنی ایشانرا ۳۵ میلیون نفر معرفی نمائیم و این ۳۵ میلیون نفر را در اطراف فلسطین در یک لحظه می باید چونکه عده مسلمان سوریه مصر فلسطین عراق و نجد و حجاز و یمن و عمان به ۳۵ میلیون بالغ می گردد و ازین نفوس یک غرش فی نفر بگیریم پس چقدر جمع خواهد شد معلوم است که سه صد پنجاه هزار جینه می شود پس گویا مسلمانان تماماً ۱۳ هزار جینه یعنی عشر عدد تمام شان و ثلث عشر یک غرش فی نفر پر داخته اند. آیا همین است چیزی که آنرا (قربانی) می نامید؟

و آیا در راه خداوند به همین اندازه به نفس و مال جهاد می کنید؟ و آیا مقدار مدد کاری شما با برادران دینی و همسایه های وطن و مدافعین مسجد

اقصائی که «سوم حرمین و اول قبلتین می باشد» همین است؟ آیا خداوند تعالی نه می فرماید که (انما المؤمنون اخوة) آیا امدادی که برادر به برادر دیگر خود میکنند عبارت از همین می باشد؟

خی گویند ملت انگلیس از چه رو در دنیا باین سیادت رسیده است؟

جواب میگوئیم: باخلاق و افکار خود اقا شده اند. روزی شخصی به من از یک نفر صاحب منصب انگلیسی در شرق حکایت نمود که به خدمت کار خود امر می نمود ضروریات لازمه خانه او را از دوکان یک نفر انگلیسی که در شهر مذکور اقامت داشت خریداری نماید یک مرتبه خادم او جدول حساب را نزدش آورده در مدت یکماه ۲۰ جینه منفعت باو نشان داد انگلیس از او پرسید که سبب این منفعت چیست؟

خادمش گفت: از دوکان انگلیسی که از مال می خریدیم صرف نظر نموده از دوکان یکی از اهالی عرب خریداری نمودم و در نتیجه این منفعت حاصل گردید.

انگلیس گفت: پس از بن بدوکان اینگلیسی که از آن خریداری می نمودیم رجوع کن.

خادم گفت: - که درین صورت ۲۰ جینه زیاد تر صرف می شود.

انگلیس به جواب او بیان نمود: که اگر چه ۲۰ جینه بیش تر به صرف می رسد از همان انگلیس خریداری کن. (باقیدارد)

مؤلف : له بلاتیه فرانسوی (۴۱)

مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

(از فصل بیست دوم)

(طلاق :)

ککمک میکنم

ژوزفین نه تنها بر ضد دلائل او بلکه برای اینکه بیاد کردن وقایع حیات سابقه بر ناپلیون اثری بیندازد چند لفظی لند لند کنان صرف نمود ولی ناپلیون با وضع بسیار خشن و ظالمانه خودش او را خاموش ساخته گفت .

« من ترا اخطار میکنم که تمام کوشش های تو برای منصرف ساختن من ازین اراده مصمم بی فائده خواهد بود اراده من قطعی است . من ترا آنچنانیکه سابق دوست میداشتم هنوز هم دوست دارم ولی برای مفاد سلطنت ما را از هم جدا میکند سیاست بسر است نه بدل »

شنیدن این الفاظ برجسته و قطعی ناپلیون ژوزفین بمرض (هستیری) گرفتار شده در حالت غشی بزمین افتاد . ناپلیون دروازه اطاق را بشدت باز کرده یکی از صاحبان قصر را بکمک او خواست برسیدن حاجب علیا حضرت برفرش خانه را ستان افتاده صحنه های جانگدازی کشیده با الفاظ غیر مفهوم نوحه مینمود .

ناپلیون « بوسی ، آیامیتوانی علیا حضرت را برداشته با طاق خودش ببری ؟ بیامن هم بانو

ناپلیون اینرا گفته و به برداشتن ژوزفین معاونت نمود . برسیده بزمینه که به پارتیمان ملکه امتداد مییافت (موسیو بوسی) جسد بیجان ژوزفین را تماماً بردوش خودش داشته و امپراطور بایک شمع روشن رهنمائی میکرد بوسی در زیر بار سنگین ملکه خم گردیده یکی از معاونین خودش را بکمک خواست . امپراطور شمع را بدست شخص نمودار داده پاهای ملکه را گرفته از پله ها بعقب پایان شدن شروع نمود ، نظربه اظهار این دونفر حاجب که درینموقع حضور داشتند ناپلیون باندازه مغموم و متاثر بود که هیچگاه نظیر آن دیده نشده بود .

بعد ازین واقعه بدو هفته دیگر طلاق نامه امضا و بوقت شام در یک محفل فمیلی که در قصر (تویلری) تهیه دیده شده بود قرائت گردید .

ناپلیون با ژوزفین دست بدست شده نطقی که از طرف (کامیاسیر) ترتیب شده بود خواند . درین نطق از فیصله که باتفاق زوجه عزیزه اش بمشوره او اختیار می نمود ، بیان نموده محرك محض ، این عمل را ناامیدی کامله خودشان از وجود اولاد ظاهر نمود .

طلاق نامه دارائی الفاظ ذیل بود
تنها خداوند میداند که اقدام باینفیصله بمن چقدر سخت میگذرد و تا چه اندازه قلبم را پر خون میگذارد ! چون برای مفاد سلطنت بهر گونه قربانیها که ازان بزرگ تر نباشد حاضرم ، از فرو بردن این زهر مهلک فراق ملکه این ادعای خودم را ثابت میکنم . این را هم فرض خود میدانم که اظهار نمایم هیچیک شکایتی از دیگر رهگذر ها ندارم : بلکه از محبت و علاقه زوجیه که زوجه عزیزه ام نسبت بمن داشته است تعریف می کنم در پانزده سال حیات زناشوهری مرا بنهایت مسعود داشته است یاد کار صحبت های او همیشه بر قلب من محکوک خواهد ماند باید ژوزفین در جواب او چیزی میگفت ولی در حینکه میخواست جوابیه خودش را قرائت کند گلوئی او گرفته شده نتوانست چیزی بگوید . کاغذ را بیکی از درباریان داده رجائود که از طرف او بخواند .

« چون خداوند مرا از وجود اولاد محروم گذاشته است باین طلاق بصورت تسلیم رضا داده ام ! ولی الغای ازدواج بر احساسات من اثری انداخته نمیتواند امپراطور همیشه در شخص من یک دوست بسیار صدیق خواهد یافت ، این اقدام را که امپراطور بمفاد سلطنت نموده

است تنها من میدانم که تا کدام اندازه او را متالم میدارد ولی هر دوی ما ازین قربانی که در راه مفاد مملکت کرده ایم بنهایت درجه مغرور و مفتخریم .
باین سطور که از طرف (کامبا سیر) یا (ماریت) ترکیب یافته بود دو سه سطری دیگری ژوزفین بقام خود ایزاد کرده بود که با وجود سادگی اثری زیادی را دارا بود ، « من بسیار ممنون و شا کرم که اثبات بزرگترین محبت و صمیمیت که درین دنیا هیچگاه داده ام خواهد شد امشب بخدمت های امپراطور می گذارم .
وضعیت قابل ترحم ژوزفین در اثنای این کشمکش قصور های حیات سابقه اش را می پوشانید نژاد آتیه باین شهیدی که قربانی هوا هوس ناپلئون گردیده است متأثر خواهند بود .

روز دیگر بعد ازین محفل (مجلس سنا) انعقاد یافت تا این طلاق را تصویب کنند در اثنای مذا کره بر تفصیلات بی مزه تری مباحثه شد .

قرار گذاشته شد که ژوزفین لقب امپراطریسی را داشته باشد و علاوه بر آن يك مداخل دو ملیون فرانک سالانه از طرف دولت با و پرداخته شود نکته گیری های زیادی را جمع به عدم صحت این طلاق بنهادر پیوست ولی اعتراضات يك دسته قانون دان در مقابل اراده آهنین

امپراطور چه کرده می توانست .
بعد از تصویب طلاق از طرف (سنا) بساعت چهار عصر درشکه باید ژوزفین را از توپلری به (مل منیرن) میبرد در سرای قصر داخل شد آسمان غبار آلود و بنهایت گرفته بود . جاذبه های که بران ژوزفین بطرف منزل جدید خودش رهسپار بود در میان يك غبار کثیف و نمناکی پیچیده و بدل پر از غم مسافر شباهت تا می بهم میرسانید چه قدر زیاد برین راه بکمال فرحت و انبساط شوکت و دبده ، تردد نموده و امروز بکدام يك حالت یاس و ناامیدی ارن عبور می نمود بیشتر از آنکه ژوزفین روانه شود ناپلئون از توپلری به (تریانو) نقل مکان نموده بود دو رو بعد ازان بدیدن ژوزفین رفت . با يك لهجه بسیار نرم و خایقانه او را مخاطب ساخته گفت از اندازه که خیال میکردم ترا ضعیف تر یا فقم ، در بنده ما مله حوصله و طاقت زیادی نشان دادی و حال برای محافظه صحت لازم است زیاده تر حوصله کنی . بر خودت احتیاط زیادی داشته بش و باندازه کافی بخواب بیاد دار که خوشی و صحت تو مرا همیشه ممنون خواهد داشت .

این جمله را گفته و با يك بوسه پر محبت او را وداع نموده برگشت بمدار انقضای چند روز يك دعوت وداعیه بسیار محتشمی که زیاده تریه يك دعوت ماتم شباهت داشت بروز عبد الملاد

و (گرانتمس) در تریانو داده شد تفصیلات این صحنه آخرین زن و شوهر هیچگاه معلوم نشده است ؛ ولی دشوار نیست که احساسات زن و شوهری که هنوز هم یکدیگر خود را دوست میداشتند در وقت وداع ابدی فهمیده نشود . با وجود قصور ژوزفین و فرو گذاشت های ناپلئون در امانت زنا شوهری بار هم حیات بدیتی شان خوش می گذشت اگر چه امپراطور از اقدام این کار افسوس و ندامت ظاهر نمیشاخت ولی در حقیقت خیلی متأثر و مغموم بنظر می آمد . در روز های تنهایی مددهش جزیره (سنت هلین) حیات مسعودی را که با ژوزفین بسر برده بود با زندگانی تلخ و پر تکلیف بعد از ازدواج (ماریانو ز) مقایسه کرده ندامت زیادی کشیده خواهد بود ؟

هر صورت ناپلئون در تمام دوران حیات طوفانی خودش از طرف يك قوه غیر قابل مقاومت و پراسراری متأثر می بود . مثل مسافری که از يك سرانشیبی مدحشی بدویدن آغاز کند و نتواند ثقلت خودش را تحمل کرده خودش را از اتقادن حفظ کند او هم مقاومت قوه مدحش دغ خودش را نتوانسته در حیات سرا زیر روان بود تا آنکه در کودال عمیقی افتاده تمام اعضای او در هم شکست .
(با قید دارد)